

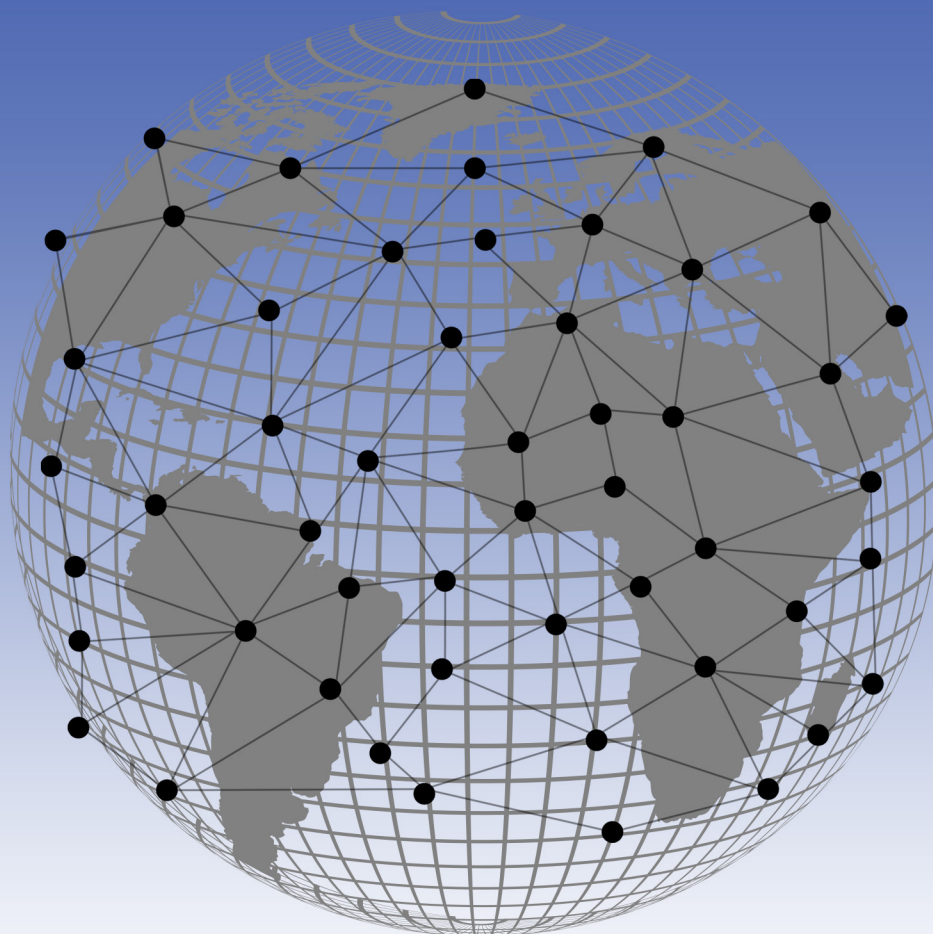


مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

پایش تحولات تجارت جهانی (گزارش شماره صد و شش)

در این شماره می‌خوانید:

- جنگ تجاری آمریکا و چین
- ریاست عربستان بر شورای عمومی سازمان تجارت جهانی
- سرمایه‌گذاری ۲ میلیارد دلاری امارات در بایننس
- تلاش چین برای فرار از رکود



فروردین ۱۴۰۴

شناسنامه گزارش



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

عنوان:

پایش تحولات تجارت جهانی
(گزارش شماره صد و شش)

مدیریت دیپلماسی اقتصادی و آینده‌پژوهی

تاریخ انتشار: فروردین ۱۴۰۴

واژه‌های کلیدی: جنگ تجاری، ارز دیجیتال، تحریم انرژی روسیه، ترانس کاسپین و تعرفه

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

فهرست مطالب

۵	تحولات جهانی
۱۵	تحولات منطقه‌ای
۲۶	پژوهش‌های تازه

تحولات جهانی

اعمال تعرفه ۲۵ درصدی ترامپ بر واردات خودرو: پیامدهای اقتصادی و صنعتی یک تغییر عمده در سیاست تجاری در تاریخ ۲۶ مارس ۲۰۲۵، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، اعمال تعرفه ۲۵ درصدی بر تمام خودروهای وارداتی و برخی قطعات خودرویی را اعلام کرد. این تعرفه‌ها از ۳ آوریل اجرایی می‌شوند. این تصمیم، گامی مهم در راستای راهبرد تجاری دولت ترامپ به شمار می‌رود که هدف آن، احیای تولید داخلی خودرو و کاهش کسری تجاری آمریکا عنوان شده است. با این حال، با توجه به زنجیره تامین جهانی صنعت خودرو، آثار این تصمیم به مراتب گسترده‌تر و پیچیده‌تر از اهداف اعلام شده است.

دولت آمریکا تخمین می‌زند که این تعرفه‌ها سالانه حدود ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد مالیاتی برای خزانه عمومی ایجاد کنند. با این حال، مصرف‌کنندگان آمریکایی و تولیدکنندگان داخلی به طور مستقیم هزینه‌های ناشی از این سیاست را متحمل خواهند شد. تحلیل‌گران صنعت خودرو پیش‌بینی می‌کنند که قیمت خودروهای وارداتی به طور میانگین بین ۵ تا ۱۵ هزار دلار افزایش می‌یابد. همچنین، خودروهای مونتاژ شده در داخل ایالات متحده نیز به دلیل وابستگی به قطعات وارداتی، با افزایش قیمت بین ۳ تا ۸ هزار دلار مواجه خواهند شد.

افزایش قابل توجه قیمت‌ها احتمالا باعث کاهش تقاضای مصرف‌کنندگان و کاهش قدرت خرید خواهد شد. بر اساس گزارشی از مرکز پژوهش خودرو (CAR)، این تعرفه‌ها می‌توانند منجر به کاهش فروش سالانه تا ۲ میلیون دستگاه خودرو شوند. افزون بر آن، بیش از ۷۰۰ هزار شغل در زنجیره ارزش صنعت خودرو، از تولید تا فروش و حمل و نقل، در معرض تهدید قرار خواهند گرفت. این آمارها پیامدهای ناخواسته برای بازار کار آمریکا و اقتصاد مناطق صنعتی را به وضوح نشان می‌دهند.

در کوتاه‌مدت، تغییراتی در رفتار مصرف‌کنندگان دیده شده است. در ماه مارس ۲۰۲۵، فروش خودرو در ایالات متحده ۱۹ درصد نسبت به فوریه و ۱۵ درصد نسبت به مارس ۲۰۲۴ افزایش یافته است؛ زیرا خریداران برای خرید خودرو پیش از اجرای افزایش تعرفه‌ها عجله کرده‌اند. این افزایش موقتی در فروش، احتمالا با کاهش تقاضا در ماه‌های آتی همراه خواهد بود. همچنین، با کاهش دسترسی به خودروهای نو، بازار خودروهای دست‌دوم نیز ممکن است با افزایش قیمت مواجه شود.

تولیدکنندگان خودرو در برابر یک دوگانگی راهبردی قرار گرفته‌اند. اگر هزینه‌های اضافی را به

مصرف‌کننده منتقل نکنند، حاشیه سود آن‌ها کاهش می‌یابد و اگر این هزینه‌ها را منتقل کنند، رقابت‌پذیری و سهم بازار خود را از دست خواهند داد. شرکت‌هایی مانند فورد و جنرال‌موتورز نگران افزایش هزینه‌های تولید هستند، چرا که حتی خودروهای ساخت آمریکا نیز به قطعات وارداتی وابسته‌اند. ساختار پیچیده زنجیره تامین صنعت خودرو به این معناست که تعرفه‌ها ممکن است باعث اختلالات عملیاتی، افزایش هزینه‌ها و نیاز به بازنگری در تامین منابع شوند.

اقتصاددانان هشدار داده‌اند که این سیاست‌ها می‌توانند فشارهای تورمی گسترده‌تری به همراه داشته باشند. تخمین‌ها نشان می‌دهند که نرخ تورم عمومی ممکن است تا ۰.۴ درصد افزایش یابد. این افزایش عمدتاً ناشی از افزایش قیمت خودروها خواهد بود اما ممکن است به بخش‌های دیگر اقتصاد نیز سرایت کند. در این صورت، بانک مرکزی آمریکا ممکن است نرخ بهره را برای مهار تورم افزایش دهد که این امر، تاثیر مستقیمی بر نرخ وام‌های خودرو و قدرت خرید خواهد داشت.

در سطح بین‌المللی، این تعرفه‌ها می‌توانند موجب تنش در روابط تجاری آمریکا با شرکای کلیدی شوند. کانادا و مکزیک، که حدود ۵۰ درصد از واردات خودرو آمریکا را تامین می‌کنند، از این تعرفه‌ها معاف نشده‌اند. با وجود آن که در توافق‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (USMCA) از چنین حمایت‌هایی برخوردار بودند. سایر صادرکنندگان بزرگ مانند ژاپن، کره جنوبی و آلمان نیز نسبت به این تصمیم اعتراض کرده‌اند و احتمالاً اقدامات تلافی‌جویانه‌ای را در پیش خواهند گرفت.

در مقام جمع‌بندی، اگرچه تعرفه ۲۵ درصدی واردات خودرو ممکن است در کوتاه‌مدت اهداف سیاسی و درآمدی مشخصی را محقق کند، اما پیامدهای بلندمدت آن بسیار گسترده‌تر از منافع مورد انتظار است. این سیاست خطراتی را برای رفاه مصرف‌کنندگان، ثبات صنعت خودرو، اشتغال، زنجیره تامین جهانی، نرخ تورم، نرخ بهره و روابط تجاری بین‌المللی به همراه دارد. در آستانه اجرایی شدن این تصمیم، سیاست‌گذاران و بازیگران صنعت خودرو باید برای مواجهه با آثار آن آماده باشند و تدابیر مناسبی جهت کاهش تبعات منفی آن اتخاذ کنند.

فشار تحریمی ترامپ بر روسیه

وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا در اقدامی قابل توجه، اجازه داد مجوز عمومی شماره (GENERAL LICENSE NO. 8L) در تاریخ ۱۲ مارس ۲۰۲۵ منقضی شود. این مجوز پیش‌تر به نهادهای آمریکایی اجازه می‌داد برخی تراکنش‌های مالی مرتبط با انرژی را با بانک‌های روسی مشخص‌شده، از جمله

بانک مرکزی روسیه، انجام دهند. انقضای این مجوز به معنای ممنوعیت کامل چنین تراکنش‌هایی است و فشار اقتصادی علیه مسکو را تشدید می‌کند. GL 8L در تاریخ ۱۰ ژانویه ۲۰۲۵ توسط دولت بایدن صادر شد و برای مدت ۶۰ روز معتبر بود. هدف از صدور این مجوز، فراهم‌سازی فرصتی برای تسویه قراردادهای پیشین در حوزه انرژی و جلوگیری از اخلاف شدید در بازار جهانی انرژی بود. تصمیم دولت بایدن برای تمدید نکردن این معافیت، بخشی از راهبرد کلان آن برای افزایش فشار اقتصادی بر روسیه در بحبوحه تنش‌های ژئوپلیتیک جاری، به ویژه در مورد جنگ اوکراین، تلقی می‌شود.

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری دولت ترامپ، درباره این تحول اظهار داشت که رئیس‌جمهور ترامپ دستور تشدید تحریم‌ها علیه روسیه را صادر کرده است تا آن کشور را به پای میز مذاکره برای حل مناقشه با اوکراین بکشانند. بسنت تاکید کرد که «همه گزینه‌ها روی میز است»، از جمله اعمال «تحریم‌های حداکثری در حوزه انرژی علیه روسیه». این تحول با تلاش‌های دیپلماتیک گسترده‌تر دولت جدید نیز همزمان شده است. در اوایل ماه مارس، کاخ سفید به وزارت خارجه و وزارت خزانه‌داری دستور داد پیشنهادهایی برای احتمال تخفیف تحریم‌ها علیه روسیه تهیه کنند که نشان از اتخاذ رویکردی دوسویه، مبتنی بر فشار و تعامل، دارد. هدف از این سیاست، یافتن راه‌هایی برای احیای روابط دیپلماتیک و اقتصادی با روسیه در عین تلاش برای پایان‌دادن به جنگ در اوکراین است.

انقضای GL 8L پیامدهای مهمی برای بازارهای بین‌المللی انرژی و نهادهای مالی دارد. شرکت‌های آمریکایی و غیرآمریکایی که درگیر معاملات انرژی با بانک‌های روسی تحت تحریم بودند، اکنون باید استراتژی‌های تطابق (compliance) خود را بازنگری کنند. این گزینه‌ها شامل درخواست مجوز خاص از دفتر کنترل دارایی‌های خارجی (OFAC) یا توقف کامل چنین تراکنش‌هایی برای جلوگیری از نقض تحریم‌ها است. با تداوم تحولات ژئوپلیتیک، هنوز مشخص نیست که آیا تشدید تحریم‌ها به تحقق اهداف دیپلماتیک آمریکا منجر خواهند شد یا خیر. جامعه بین‌المللی با دقت این وضعیت را دنبال می‌کند تا ببیند روابط آمریکا و روسیه در چه مسیری حرکت خواهد کرد و این تحولات چه تاثیری بر نظام بین‌الملل خواهند داشت.

پابرجایی تحریم‌های غرب علیه روسیه

هرمان گریف، مدیرعامل اسبربانک^۱، بزرگ‌ترین بانک روسیه، اعلام کرد که تحریم‌های غرب علیه روسیه ممکن است هرگز لغو نشوند و حتی تشدید شوند. این اظهارات در حالی مطرح شد که ایالات

متحده و اتحادیه اروپا تحریم‌های بی‌سابقه‌ای را علیه بخش‌های مختلف اقتصاد روسیه، به ویژه بخش مالی، به دلیل درگیری در اوکراین اعمال کرده‌اند. علاوه بر این، حدود ۳۰۰ میلیارد دلار از دارایی‌های بانک مرکزی روسیه همچنان در سپرده‌گذاری‌های خارجی، عمدتاً در آمریکا و اروپا، مسدود مانده است. گرف در تماس تلفنی با سرمایه‌گذاران بر رویکرد محتاطانه بانک تأکید کرد و گفت: «ما با این فرض پیش می‌رویم که هیچ‌یک از تحریم‌ها لغو نخواهد شد.» وی همچنین افزود: «علاوه بر این، ما احتمال تشدید تحریم‌ها را در نظر داریم، در حالی که لغو آن‌ها را تنها یک امتیاز مثبت غیرمنتظره تلقی می‌کنیم».

با وجود این موضع‌گیری، گرف اشاره کرد که اسبربانک سناریوی لغو تحریم‌های غرب را نیز بررسی می‌کند. وی اذعان داشت که در صورت برداشته شدن تحریم‌ها، اقتصاد روسیه از مزایای متعددی بهره‌مند خواهد شد که شامل کاهش تخفیف‌های قیمت نفت، بهبود عملکرد بازار سهام، افزایش ورود سرمایه خارجی، کاهش هزینه‌های تراکش‌های مالی و تسهیل در مبادلات بین‌المللی خواهد بود.

در واکنش به تحریم‌های غرب، اسبربانک در اواسط سال ۲۰۲۳ از بازار بانکداری اتحادیه اروپا خارج شد. این بانک پیش‌تر از طریق Sberbank Europe AG در هشت کشور اروپایی فعالیت داشت و به حدود ۷۱۵,۰۰۰ مشتری خدمات ارائه می‌کرد. پس از خروج از بازار بانکداری اتحادیه اروپا، تمرکز این بانک بر عملیات داخلی افزایش یافته و همزمان گسترش فعالیت‌های خود در آسیا را در دستور کار قرار داده است.

بحث‌ها درباره لغو تحریم‌ها و بازگشت احتمالی شرکت‌های غربی به روسیه، پس از مذاکرات اخیر میان مسکو و واشنگتن در عربستان سعودی شدت گرفته است. این مذاکرات پس از تماس تلفنی میان ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در ۱۲ فوریه آغاز شد.

مارکو رویو، وزیر امور خارجه آمریکا، در ادامه این گفت‌وگوها اظهار داشت که کشورهای غربی ممکن است مجبور شوند برای دستیابی به یک «راه‌حل پایدار» در بحران اوکراین، تحریم‌های روسیه را مورد بازنگری قرار دهند. ترامپ نیز روز سه‌شنبه اعلام کرد: «واشنگتن ممکن است در جریان مذاکرات صلح، در مقطعی تحریم‌ها را لغو کند.» رویو تأکید کرد که اتحادیه اروپا نیز باید در این مذاکرات حضور داشته باشد، زیرا بروکسل تحریم‌های مستقلی علیه روسیه اعمال کرده است. با این



حال، مقامات اروپایی اعلام کرده‌اند که سیاست تحریم‌های این اتحادیه بدون وابستگی به تصمیمات واشنگتن ادامه خواهد داشت.

اخیرا اتحادیه اروپا شانزدهمین بسته تحریمی خود علیه روسیه را تصویب کرد. همچنین، ترامپ با امضای یک فرمان اجرایی، تحریم‌های ایالات متحده علیه روسیه را تمدید کرد. کرملین بارها تحریم‌های غرب را غیرقانونی دانسته و محکوم کرده است. اخیرا ولادیمیر پوتین اعلام کرد که تحریم‌ها نه تنها به تضعیف اقتصاد روسیه منجر نشده، بلکه موجب تقویت بخش‌های صنعتی و فناوری کشور شده‌اند. وی همچنین بر همکاری نزدیک‌تر میان شرکت‌های داخلی و موسسات علمی روسیه تاکید کرد. به گفته وی، هرگونه بازگشت احتمالی شرکت‌های غربی به بازار روسیه باید به دقت کنترل شود تا از منافع صنایع داخلی محافظت گردد.

انتقال کنترل بنادر کانال پاناما به کنسرسیوم آمریکایی

یک شرکت هنگ‌کنگی از برنامه خود برای فروش سهام کنترلی در شرکت مدیریت‌کننده دو بندر اصلی کانال پاناما به کنسرسیومی سرمایه‌گذاری، به رهبری یک شرکت چندملیتی آمریکایی، خبر داده است. این معامله در شرایطی انجام می‌شود که دولت ایالات متحده، به ویژه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، فشارهای خود را برای کاهش نفوذ چین بر این گذرگاه راهبردی افزایش داده است. ترامپ در نشست مشترک کنگره اعلام کرد که تلاش‌های دیپلماتیک موفقی برای بازپس‌گیری کنترل کانال پاناما انجام شده و این پروژه را «زیرساختی حیاتی که توسط آمریکایی‌ها و برای آمریکایی‌ها ساخته شده است» توصیف کرد.

بر اساس بیانیه مشترک شرکت CK Hutchison Holdings و BlackRock، شرکت هنگ‌کنگی CK Hutchison Holdings موافقت کرده است ۹۰٪ از سهام Panama Ports Company را به کنسرسیومی متشکل از شرکت سرمایه‌گذاری آمریکایی بلک‌راک (BlackRock)، شرکت تابعه‌اش Global Infrastructure Partners، و شرکت سوئیسی Terminal Investment که در زمینه پایانه‌های کانتینری فعالیت دارد، واگذار کند. بر اساس قرارداد امضا شده، Panama Ports Company مدیریت دو بندر اصلی کانال پاناما، یعنی بندر بالبوآ در ورودی اقیانوس آرام و بندر کریستوبال در ورودی اقیانوس اطلس، را تا سال ۲۰۴۷ در اختیار خواهد داشت. این توافق همچنین شامل فروش ۸۰٪ از سهام زیرمجموعه‌های CK Hutchison در زمینه مدیریت بنادر می‌شود که ۴۳ بندر در ۲۳ کشور از جمله بریتانیا، آلمان،

مکزیک، استرالیا، آرژانتین و کره جنوبی را شامل می‌شود.

با این حال، بیانیه رسمی این شرکت تاکید دارد که این توافق شامل هیچ‌گونه مالکیتی در بنادر چین، هنگ‌کنگ، شنژن و جنوب چین نخواهد شد. ارزش این معامله ۲۳ میلیارد دلار برآورد شده که ۵ میلیارد دلار آن مربوط به بدهی‌ها است. همزمان با انتشار این خبر، سهام CK Hutchison که ارزش بازار آن ۱۴۸ میلیارد دلار هنگ‌کنگ (۱۹ میلیارد دلار آمریکا) تخمین زده می‌شود، ۲۲٪ افزایش یافت. این معامله در شرایطی انجام می‌شود که ترامپ بارها تهدید کرده است کنترل کانال پاناما را بازپس خواهد گرفت. او با انتقاد از «هزینه‌های غیرمنطقی» و نفوذ فزاینده چین در این مسیر دریایی راهبردی، خواستار افزایش نقش آمریکا در مدیریت این گذرگاه شده است. در همین راستا، خوزه رائل مولینو، رئیس‌جمهور پاناما، در فوریه ۲۰۲۴ از تمدید توافق‌نامه‌های اقتصادی سال ۲۰۱۷ کشورش با چین در چارچوب طرح «کمر بند و جاده» پکن خودداری کرد تا امتیازی به دولت واشنگتن بدهد. این تصمیم به عنوان نشانه‌ای از تغییر موضع پاناما به سود آمریکا تلقی شده است.

تقویت قانون ضد تحریم چین با مقررات اجرایی جدید

در اقدامی مهم برای گسترش ابزارهای قانونی در برابر اقدامات تنبیهی خارجی، شورای دولتی چین در تاریخ ۴۲ مارس مجموعه‌ای از مقررات اجرایی جدید را ذیل «قانون مقابله با تحریم‌های خارجی» (LSFA) منتشر کرد. این مقررات، که شامل ۲۲ ماده است، نحوه اجرای اقدامات تلافی‌جویانه علیه نهادها و اشخاصی را که در اعمال تحریم‌های خارجی علیه منافع چین نقش دارند، با جزئیات بیشتری مشخص می‌کند. قانون LSFA که در ژوئن ۲۰۲۲ به تصویب رسید، چارچوب قانونی لازم برای واکنش چین به تحریم‌های ناعادلانه خارجی را فراهم کرده است. مقررات اجرایی جدید نیز ضمن شفاف‌سازی ابزارهای اجرایی این قانون، دامنه اقدامات متقابل را گسترش می‌دهد.

بر اساس این مقررات، تحریم‌های چین می‌تواند شامل توقیف یا مسدودسازی دارایی‌هایی نظیر وجوه نقد، اوراق بهادار، حقوق مالکیت فکری، سهام، حساب‌های دریافتی و سایر حقوق مالی و اموالی باشد. همچنین، ممنوعیت یا محدودیت فعالیت‌ها و همکاری‌های مرتبط می‌تواند بخش‌های گوناگونی از جمله آموزش، علم و فناوری، خدمات حقوقی، فرهنگ، گردشگری، بهداشت، محیط‌زیست و ورزش را در بر بگیرد. علاوه بر این، اقدامات ضروری دیگر ممکن است شامل موارد زیر باشد:

۱. ممنوعیت یا محدودیت در واردات، صادرات و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با چین؛

۲. محدودیت در انتقال داده‌ها و اطلاعات شخصی از مرزها؛

۳. لغو یا محدودیت در مجوزهای کاری، اقامت یا ویزا؛

۴. اعمال جریمه‌های مالی.

در چارچوب این مقررات جدید، نهادهای دولتی چین مجازند تحقیقات لازم را انجام داده و در صورت نیاز، با نهادهای خارجی مشورت کنند تا درباره نحوه و زمان اعمال اقدامات متقابل تصمیم‌گیری شود. وزارتخانه‌ها و نهادهای وابسته به شورای دولتی نیز موظف‌اند بر اساس مسئولیت‌های قانونی خود در اجرای این قانون همکاری کنند و با اشتراک‌گذاری اطلاعات، هماهنگی‌های لازم را انجام دهند. شرکت‌ها و افرادی که از اجرای اقدامات تلافی‌جویانه سر باز زنند، با پیامدهایی همچون محرومیت از شرکت در مناقصات دولتی، محدودیت در فعالیت‌های واردات و صادرات کالا، خدمات یا فناوری و نیز محدودیت در دسترسی به داده‌ها یا اطلاعات شخصی مواجه خواهند شد. همچنین، ممکن است مجوز اقامت، ویزا یا اجازه فعالیت آن‌ها در چین لغو یا محدود شود.

در این مقررات، سازوکاری برای درخواست تجدیدنظر در نظر گرفته شده است. سازمان‌ها یا افرادی که هدف اقدامات متقابل قرار گرفته‌اند، در صورت اصلاح رفتار خود و کاهش آثار اقداماتشان، می‌توانند تقاضای تعلیق، اصلاح یا لغو تحریم‌ها را ارائه دهند. این بند انعطاف‌پذیری بیشتری به سازوکار اجرای قانون می‌بخشد.

تقویت قانون AFSL در شرایطی صورت می‌گیرد که تنش‌های ژئوپلیتیک میان چین و کشورهای غربی، به ویژه ایالات متحده و اتحادیه اروپا، در حال افزایش است و استفاده از تحریم‌های یک‌جانبه به طور فزاینده‌ای به ابزاری رایج در سیاست خارجی این کشورها بدل شده است. دولت چین این تحریم‌ها را نقض حقوق بین‌الملل و حاکمیت ملی خود تلقی می‌کند. با انتشار مقررات اجرایی جدید، پکن پیامی صریح صادر کرده است مبنی بر این که در برابر فشارهای خارجی از ابزارهای قانونی و اداری استفاده خواهد کرد. این مقررات همچنین چارچوبی شفاف‌تر برای شرکت‌های داخلی و خارجی فراهم می‌سازد تا از الزامات قانونی آگاه باشند و مخاطرات احتمالی فعالیت در بازار چین را ارزیابی کنند.

باید توجه داشت که رسمی شدن این مقررات اجرایی، توان چین را برای پاسخ به تحریم‌های خارجی

به‌طور چشم‌گیری افزایش می‌دهد. دولت‌ها، سرمایه‌گذاران و شرکت‌های بین‌المللی اکنون باید با دقت بیشتری تصمیمات خود را ارزیابی کنند تا از اقدامات احتمالی تلافی‌جویانه چین در امان بمانند.

اعمال تعرفه‌های جدید چین بر محصولات کشاورزی آمریکا

دولت چین اعمال تعرفه‌های جدید بر محصولات کشاورزی وارداتی از ایالات متحده را آغاز کرد. این اقدام در واکنش به افزایش تعرفه‌های آمریکا بر کالاهای چینی صورت گرفته و به تشدید جنگ تجاری میان دو قدرت اقتصادی جهان منجر شده است. بر اساس اطلاعیه رسمی دولت چین، این تعرفه‌ها شامل ۱۵٪ عوارض بر محصولات می‌مانند مرغ، گندم و ذرت و ۱۰٪ عوارض بر کالاهایی نظیر سویا، گوشت خوک، گوشت گاو و میوه خواهد بود. این تصمیم پس از آن اتخاذ شد که دولت ترامپ برای دومین بار تعرفه‌های وارداتی بر کالاهای چینی را افزایش داد. چین بزرگ‌ترین بازار خارجی برای محصولات کشاورزی آمریکا محسوب می‌شود و این تعرفه‌ها می‌تواند آسیب جدی به کشاورزان آمریکایی وارد کند. با این حال، پکن اعلام کرده است که محموله‌هایی که پیش از ۱۰ مارس ارسال شده و تا ۱۲ آوریل وارد چین شوند، مشمول این تعرفه‌های جدید نخواهند بود. از آنجا که حمل بسیاری از محصولات کشاورزی از طریق دریا انجام می‌شود، انتظار می‌رود وصول این تعرفه‌ها تا رسیدن محموله‌های جدید به چین، به تعویق بیفتد.

علاوه بر اعمال تعرفه‌های جدید، دولت چین ۱۵ شرکت آمریکایی را از خرید محصولات چینی منع کرده است، مگر این که مجوز ویژه‌ای دریافت کنند. این شرکت‌ها شامل یک تامین‌کننده تجهیزات پهبادی برای ارتش آمریکا نیز می‌شوند. همچنین، چین ۱۰ شرکت آمریکایی دیگر را از فعالیت تجاری در این کشور منع کرده است.

ترامپ از زمان آغاز ریاست جمهوری خود، سیاست‌های سختگیرانه‌ای علیه واردات از چین اعمال کرده است. او در ماه فوریه ۱۰٪ تعرفه بر تقریباً تمام واردات چینی اعمال کرد و در ماه مارس این رقم را به ۲۰٪ افزایش داد. به گفته ترامپ، این اقدامات نه تنها با هدف احیای بخش تولیدی آمریکا انجام شده، بلکه تلاشی برای کاهش ورود ماده مخدر فنتانیل از چین به ایالات متحده نیز محسوب می‌شود. وی همچنین ۲۰٪ تعرفه بر حدود ۴۴۰ میلیارد دلار از کالاهای چینی که ایالات متحده سالانه وارد می‌کند، وضع کرده است. بدین ترتیب، میانگین تعرفه‌های آمریکا بر کالاهای چینی به ۳۹٪ افزایش یافته است، در حالی که این رقم در آغاز دولت ترامپ تنها ۳٪ بود.

با وجود تشدید تنش‌های تجاری، هر دو طرف سیگنال‌هایی مبنی بر آمادگی برای مذاکره ارسال کرده‌اند. اخیراً وزیر بازرگانی چین از مقامات تجاری آمریکا برای برگزاری نشستی مشترک دعوت کرد. از سوی دیگر، دونالد ترامپ نیز اخیراً اعلام کرده است که دستیابی به یک توافق تجاری جدید با چین «ممکن» است. با این حال، چین اکنون در شرایط اقتصادی نامطلوب‌تری نسبت به دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ قرار دارد. کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و رکود در بازار املاک، این کشور را با چالش‌های اقتصادی جدی روبه‌رو کرده است. در واکنش به تعرفه‌های جدید، پکن از ابزارهای مختلفی برای کاهش تاثیر تحریم‌های تجاری استفاده کرده است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کاهش مالیات بر شرکت‌های چینی صادرکننده به آمریکا که به آن‌ها این امکان را می‌دهد تا قیمت‌ها را کاهش دهند و بدین وسیله تاثیر تعرفه‌ها را کاهش دهند؛
 ۲. انتقال فرآیند مونتاژ محصولات چینی به کشورهای ثالثی همچون ویتنام و مکزیک که روابط تجاری آزادتری با آمریکا دارند؛
 ۳. بهره‌برداری از قانون «de minimis» که محموله‌های کمتر از ۸۰۰ دلار را از پرداخت تعرفه معاف می‌کند. هرچند دولت ترامپ تلاش کرده است این خلا قانونی را مسدود کند، اما اجرای این سیاست پیچیده بوده و تاکنون پیشرفتی در این زمینه حاصل نشده است.
- با توجه به تشدید تنش‌های تجاری میان چین و آمریکا، جنگ تعرفه‌ای میان این دو کشور وارد مرحله جدیدی شده است. در حالی که هر دو طرف بر سر سیاست‌های تجاری خود پافشاری می‌کنند، هنوز احتمال مذاکرات وجود دارد. با این حال، تاثیرات این سیاست‌ها بر اقتصاد جهانی، امنیت غذایی و روابط بین‌المللی همچنان نامشخص باقی مانده است.

افزایش تلاش‌های چین برای رشد اقتصادی در مواجهه با تغییرات بی‌سابقه در اقتصاد جهانی

نخست‌وزیر چین، لی کیانگ، در سخنرانی خود در افتتاحیه نشست سالانه کنگره ملی خلق این کشور، از افزایش محرک‌های مالی برای محافظت از اقتصاد در برابر تغییراتی که آن‌ها را «بی‌سابقه در یک قرن اخیر» توصیف کرد، خبر داد. پکن در تلاش است تا هدف رشد ۵ درصدی برای سال ۲۰۲۵ را حفظ کند، در حالی که تنش‌های تجاری با ایالات متحده همچنان در حال تشدید است. لی کیانگ در این سخنرانی هشدار داد که «تحولات پیچیده و چالش‌برانگیز جهانی با سرعت بیشتری در

حال وقوع هستند» و تاکید کرد که محیط خارجی، که به طور فزاینده‌ای ناپایدار شده، ممکن است تأثیرات بیشتری بر تجارت، علم و فناوری چین داشته باشد. وی افزود که جنگ تجاری با دولت ایالات متحده تهدیدی برای بخش‌های کلیدی اقتصاد چین محسوب می‌شود، به ویژه در شرایطی که تقاضای داخلی ضعیف و بحران بدهی در بخش املاک، آسیب‌پذیری اقتصاد را افزایش داده است. در همین حال، فشارها بر مقامات چینی برای ارائه محرک‌های مالی با تمرکز بر مصرف داخلی افزایش یافته است تا بتوانند از بروز رکود و وابستگی بیش از حد به صادرات و سرمایه‌گذاری جلوگیری کنند.

واژه «مصرف» ۳۱ بار در گزارش نخست‌وزیر ذکر شده است، در حالی که سال گذشته این عدد ۲۱ بار بود. همچنین، واژه «فناوری» ۲۸ بار تکرار شده که نسبت به ۲۶ بار در سال ۲۰۲۴ افزایش جزئی داشته است. برای اولین بار، افزایش مصرف به اولویت اصلی سیاست‌های اقتصادی ۲۰۲۵ تبدیل شده است، در حالی که فناوری جایگاه قبلی خود را از دست داده است. نخست‌وزیر لی کیانگ در سخنرانی خود هدف رشد اقتصادی ۵ درصدی برای سال ۲۰۲۵ و برنامه‌ای برای افزایش کسری بودجه به حدود ۴٪ از تولید ناخالص داخلی را تایید کرد.

وی همچنین اعلام کرد که پکن قصد دارد ۱.۳ تریلیون یوان (حدود ۱۷۹ میلیارد دلار) اوراق قرضه ویژه خزانه‌داری با سررسید بلندمدت منتشر کند، که این رقم نسبت به ۱ تریلیون یوان در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته است. علاوه بر این، دولت‌های محلی اجازه خواهند داشت ۴.۴ تریلیون یوان بدهی ویژه منتشر کنند که نسبت به ۳.۹ تریلیون یوان سال گذشته افزایش یافته است. تحلیلگران معتقدند که افزایش این میزان بدهی و هزینه‌کرد دولت، برای کاهش اثرات تعرفه‌های آمریکا بر اقتصاد چین برنامه‌ریزی شده است. کارشناسان بانک ANZ پیش‌بینی کرده‌اند که اگر روند رشد اقتصادی تحت تأثیر اختلافات تجاری قرار گیرد، دولت چین احتمالاً در میانه سال بودجه را مجدداً تنظیم خواهد کرد.

با وجود تصویب ۳۰۰ میلیارد یوان یارانه برای مصرف‌کنندگان در خرید خودروهای الکتریکی، لوازم خانگی و سایر کالاها، سخنرانی لی کیانگ شامل جزئیات بیشتری درباره حمایت از خانوارها نبود. یارانه‌های اختصاص داده‌شده به برخی کالاها باعث افزایش تقاضا شده است، اما در سایر بخش‌ها، مصرف همچنان ضعیف باقی مانده است. دولت چین همچنین حداقل حقوق بازنشستگی را تنها ۲۰ یوان (حدود ۲.۸ دلار) افزایش داده و به ۱۴۳ یوان در ماه رسانده است، که این اقدام به عنوان یک اصلاح جزئی در سیاست‌های رفاهی تلقی می‌شود. اقتصاددانان تاکید کرده‌اند که دولت چین باید فراتر از سیاست‌های یارانه‌ای حرکت کند و یک بازنگری اساسی در سیستم مالیاتی، سیاست‌های زمین

و ساختار مالی انجام دهد تا در بلندمدت بتواند منابع را به‌طور بهینه‌تری تخصیص دهد.

در حالی که چین سال گذشته با مازاد تجاری یک تریلیون دلاری مواجه بود، بسیاری از تولیدکنندگان این کشور اکنون با تقاضای ضعیف داخلی و تشدید شرایط تجاری در ایالات متحده روبرو هستند. باوجود رشد ۵ درصدی اقتصاد چین در سال گذشته، بسیاری از شهروندان این کشور تاثیر این رشد را در زندگی روزمره خود احساس نکرده‌اند. برخی اقتصاددانان چینی معتقدند که «افزایش بیش از حد مازاد تجاری دیگر یک راهبرد کارآمد نیست، بنابراین، باید بر تقاضای داخلی برای رشد اقتصادی تکیه کرد.» در مجموع، به نظر می‌رسد که چین در تلاش است تا وابستگی خود به صادرات را کاهش دهد و اقتصاد خود را به سمت رشد مبتنی بر مصرف داخلی هدایت کند. با این حال، چالش‌های داخلی از جمله رکود در بازار املاک، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و فشارهای تعرفه‌ای از سوی آمریکا، مسیر اصلاحات اقتصادی را برای پکن دشوارتر کرده است.

تحولات منطقه‌ای

راهبرد ملی سرمایه‌گذاری امارات متحده عربی (۲۰۲۵-۲۰۳۱)؛ جهشی در اقتصاد و جذب سرمایه خارجی

دولت امارات متحده عربی برنامه‌ای جامع برای شش سال آینده تصویب کرده است که هدف آن، تقویت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و توسعه اقتصادی کشور است. این راهبرد در جلسه کابینه به ریاست شیخ محمد بن راشد آل مکتوم، نخست‌وزیر امارات و حاکم دبی، اعلام شد. شیخ محمد بن راشد تاکید کرد که امارات متعهد به توسعه اقتصاد، گسترش بازارها، جذب سرمایه‌گذاران و ایجاد بهترین محیط کسب‌وکار در جهان است.

این برنامه بخشی از چشم‌انداز گسترده امارات برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و تنوع‌بخشی اقتصادی است. سرمایه‌گذاری در فناوری، نوآوری و انرژی‌های پاک، این کشور را به رهبر اقتصادی منطقه و یکی از مهم‌ترین مقاصد سرمایه‌گذاری در جهان تبدیل خواهد کرد.

اهداف کلیدی راهبرد ملی سرمایه‌گذاری

- افزایش ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از ۱۱۲ میلیارد درهم (۳۰.۴۹ میلیارد دلار) در ۲۰۲۳ به ۲۴۰ میلیارد درهم (۶۵.۳۵ میلیارد دلار) تا ۲۰۳۱؛

- افزایش کل سرمایه‌گذاری خارجی از ۸۰۰ میلیارد درهم (۲۱۷.۸۲ میلیارد دلار) به ۲.۲ تریلیون درهم (۶۰۰ میلیارد دلار) در شش سال آینده؛
 - تقویت موقعیت امارات به عنوان یکی از برترین مقاصد سرمایه‌گذاری جهان از طریق تسهیل قوانین تجاری و بهبود محیط کسب‌وکار.
- این راهبرد، سرمایه‌گذاری در بخش‌های راهبردی را هدف قرار داده است:
۱. صنعت و تولید: توسعه ظرفیت‌های صنعتی برای کاهش وابستگی به نفت و تقویت تولید داخلی.
 ۲. لجستیک: سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل‌ونقل برای تثبیت موقعیت امارات به عنوان یک هاب تجاری جهانی.
 ۳. خدمات مالی: جذب موسسات مالی بین‌المللی و گسترش فعالیت‌های بانکی و سرمایه‌گذاری.
 ۴. انرژی‌های تجدیدپذیر: توسعه پروژه‌های انرژی سبز برای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی.
 ۵. فناوری اطلاعات و نوآوری: حمایت از تحول دیجیتال و توسعه فناوری‌های پیشرفته در اقتصاد.
- عملکرد اقتصادی امارات در سال‌های اخیر جلب توجه است:
- حجم تجارت خارجی امارات در ۲۰۲۴ به ۷۶۰ میلیارد دلار رسید.
 - ۲۰۰ هزار شرکت جدید در امارات به ثبت رسیدند، که نشان از افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری دارد.
 - ارزش صادرات صنعتی امارات برای اولین بار از ۵۱.۷۳ میلیارد دلار عبور کرد (نشان‌دهنده رشد چشمگیر تولید داخلی).
 - تمرکز بر بخش‌های راهبردی برای رشد پایدار و متنوع‌سازی اقتصاد؛
 - تبدیل امارات به یکی از برترین مراکز تجاری، صنعتی و فناوری در جهان.
- این راهبرد، گامی اساسی در جهت تقویت اقتصاد امارات و جایگاه آن در اقتصاد جهانی خواهد بود.

افزایش ۲.۷ برابری حمل‌ونقل کانتینری قزاقستان از مسیر ترانس کاسپین در سال ۲۰۲۴

بر اساس تازه‌ترین آمار منتشرشده توسط دولت قزاقستان، حجم کل حمل‌ونقل از مسیر ترانس کاسپین نسبت به سال گذشته ۶۲٪ افزایش یافته و به ۴.۵ میلیون تن رسیده است. مسیر چین-اروپا بیشترین

رشد را تجربه کرده و ۳۵,۶۰۰ واحد کانتینری (TEU) از این مسیر جابه‌جا شده است که ۲.۷ برابر بیشتر از سال ۲۰۲۳ محسوب می‌شود.

اهداف قزاقستان در توسعه مسیر ترانس کاسپین:

- افزایش حجم ترانزیت به ۵.۲ میلیون تن تا سال ۲۰۲۵؛
 - هدف‌گذاری برای جابه‌جایی ۷۰,۰۰۰ واحد کانتینری (TEU)؛
 - ارتقای زیرساخت‌های حمل‌ونقل و لجستیک برای افزایش بهره‌وری این مسیر.
- قزاقستان در تلاش است با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ریلی، بنادر و خدمات لجستیکی، مسیر ترانس کاسپین را به یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجاری اوراسیا تبدیل کند.

سرمایه‌گذاری ۲ میلیارد دلاری امارات در صرافی بایننس؛ گامی راهبردی در حوزه اقتصاد دیجیتال

امارات متحده عربی با سرمایه‌گذاری ۲ میلیارد دلاری از طریق شرکت MGX در بایننس، بزرگ‌ترین صرافی ارزهای دیجیتال جهان، به یکی از سهام‌داران کلیدی این پلتفرم تبدیل شد. این سرمایه‌گذاری به عنوان بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری نهادی در تاریخ ارزهای دیجیتال شناخته می‌شود و موقعیت امارات را در بازار بلاکچین، دارایی‌های دیجیتال و نوآوری‌های مالی تقویت می‌کند. دلایل و اهداف سرمایه‌گذاری امارات در بایننس را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد:

- تبدیل امارات به قطب بین‌المللی فناوری‌های نوین از جمله هوش مصنوعی، بلاکچین و اقتصاد دیجیتال؛
 - تقویت جایگاه امارات در بازار جهانی ارزهای دیجیتال و افزایش تعامل با شرکت‌های پیشرو فناوری؛
 - جذب سرمایه‌گذاران و استارت‌آپ‌های فناوری مالی (Fintech) برای ایجاد یک زیست‌بوم نوآوری؛
 - متنوع‌سازی اقتصاد کشور و کاهش وابستگی به منابع سنتی درآمدی مانند نفت.
- شرکت MGX در مارس ۲۰۲۴ تاسیس شد و تحت نظارت شیخ طحنون بن زاید، مشاور امنیت ملی امارات، فعالیت می‌کند. نقش این شرکت در سرمایه‌گذاری مذکور بدین ترتیب است:
- هدف‌گذاری ۱۰۰ میلیارد دلاری برای دارایی‌های خود در صنایع نوظهور مانند هوش مصنوعی، بلاکچین و امنیت سایبری؛

- سرمایه‌گذاری در پروژه ۱۰۰ میلیارد دلاری هوش مصنوعی در ایالات متحده که توسط دونالد ترامپ معرفی شده بود؛
- گسترش نفوذ در اقتصاد دیجیتال ایالات متحده و همکاری با شرکت‌های پیشرو فناوری.
- موقعیت صرافی بایننس در بازار جهانی بدین ترتیب است:
- بیش از ۲۶۰ میلیون کاربر ثبت‌شده در سراسر جهان؛
- حجم معاملات انباشته بیش از ۱۰۰ تریلیون دلار؛
- تمرکز بخش قابل توجهی از فعالیت‌ها در امارات؛
- وجود ۱۰۰۰ کارمند در امارات، که نشان‌دهنده تعهد این پلتفرم به توسعه خدمات در منطقه است.
- تاثیر سرمایه‌گذاری مذکور بر اقتصاد امارات بدین ترتیب است:
- ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در بخش فین‌تک (Fintech) و بلاکچین؛
- توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و تقویت جایگاه امارات در اقتصاد دیجیتال جهانی.
- افزایش همکاری‌های بین‌المللی در حوزه ارزهای دیجیتال، هوش مصنوعی و فناوری‌های مالی؛
- جذب سرمایه‌گذاری‌های بیشتر از سوی شرکت‌های فناوری و نوآوری.

روند تجارت خارجی ترکیه

گزارش ماهانه داده‌های تجارت خارجی که اخیراً از سوی وزارت تجارت ترکیه منتشر شده است، عملکرد تجاری این کشور را از جمله صادرات، واردات، تراز تجاری و شرکای اصلی آن ارائه می‌دهد. این گزارش تغییرات قابل توجه در حجم تجارت، سهم بخش‌های مختلف و تاثیر اقتصادی تجارت خارجی ترکیه را بررسی می‌کند. در فوریه ۲۰۲۵، صادرات ترکیه با کاهش ۱.۵ درصدی به ۲۰.۷۷۶ میلیارد دلار رسید، در حالی که واردات با افزایش ۳.۸ درصدی به ۲۸.۹۳۰ میلیارد دلار بالغ شد. در نتیجه، حجم کل تجارت (صادرات + واردات) ۱.۵٪ رشد کرد و به ۴۹.۷۰۶ میلیارد دلار رسید.

با این حال، کسری تجاری ۲۰.۵٪ افزایش یافت و از ۶.۷۶۷- میلیارد دلار در فوریه ۲۰۲۴ به ۸.۱۵۵- میلیارد دلار در فوریه ۲۰۲۵ رسید. علاوه بر این، نسبت صادرات به واردات از ۷۵.۷٪ به ۷۱.۸٪ کاهش یافت که نشان‌دهنده کندتر بودن رشد صادرات نسبت به افزایش واردات است.

در دوره ژانویه تا فوریه ۲۰۲۵، صادرات با رشد ۲.۱ درصدی به ۴۱.۹۴۱ میلیارد دلار رسید، در حالی که واردات ۶.۶٪ افزایش یافت و به ۵۷.۶۳۳ میلیارد دلار رسید. در نتیجه، حجم کل تجارت ۴.۷٪ رشد کرد و به ۹۹.۵۷۴ میلیارد دلار رسید. با این حال، کسری تجاری ۲۱.۲٪ افزایش یافت و از ۱۲.۹۵۲- میلیارد دلار در ژانویه تا فوریه ۲۰۲۴ به ۱۵.۶۹۲- میلیارد دلار در مدت مشابه سال ۲۰۲۵ رسید. همچنین، نسبت صادرات به واردات از ۷۶.۰٪ به ۷۲.۸٪ کاهش یافت که نشان‌دهنده افزایش وابستگی ترکیه به واردات است.

در دوره ۱۲ ماهه گذشته، صادرات ترکیه در مدت زمان مشابه گذشته با رشد ۱.۵ درصدی به ۲۶۲.۶۶۱ میلیارد دلار رسید، در حالی که واردات ۱.۲٪ کاهش یافت و به ۳۴۷.۶۰۵ میلیارد دلار رسید. در نتیجه، حجم کل تجارت تقریباً ثابت ماند و ۶۱۰.۲۶۷ میلیارد دلار را ثبت کرد. با این حال، کسری تجاری ۸.۵٪ بهبود یافت و از ۹۲.۸۷۱- میلیارد دلار به ۸۴.۹۴۴- میلیارد دلار کاهش یافت. علاوه بر این، نسبت صادرات به واردات از ۷۳.۶٪ به ۷۵.۶٪ افزایش یافت که نشان‌دهنده بهبود جزئی در تراز تجاری ترکیه است. نسبت صادرات به واردات که نشان می‌دهد چه میزان از واردات از طریق صادرات تامین مالی می‌شود، از ۷۵.۷٪ در فوریه ۲۰۲۴ به ۷۱.۸٪ در فوریه ۲۰۲۵ کاهش یافت. با این حال، در صورتی که واردات انرژی از محاسبات حذف شود، این نسبت به ۸۶.۴٪ می‌رسد که ۲.۷ واحد کمتر از سال گذشته است. همچنین، با حذف واردات انرژی و طلا، این نسبت به ۹۴.۱٪ افزایش می‌یابد. این داده‌ها نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از کسری تجاری ترکیه ناشی از واردات انرژی و طلاست، نه سایر کالاها.

مقاصد اصلی صادرات ترکیه در فوریه ۲۰۲۵ عبارت‌اند از:

- آلمان: ۱.۶۸۸ میلیارد دلار؛

- ایالات متحده: ۱.۱۹۵ میلیارد دلار؛

- بریتانیا: ۱.۱۷۵ میلیارد دلار.

این سه کشور در مجموع ۴۷.۱٪ از کل صادرات ترکیه را تشکیل می‌دهند که نشان‌دهنده تمرکز صادراتی بر بازارهای بزرگ اقتصادی است.

از سوی دیگر، مهم‌ترین کشورهای تامین‌کننده واردات ترکیه عبارت‌اند از:

- روسیه: ۳.۹۸۲ میلیارد دلار؛
- چین: ۳.۵۴۶ میلیارد دلار؛
- ایالات متحده: ۲.۴۲۲ میلیارد دلار.

۱۰ کشور نخست تامین‌کننده واردات، در مجموع ۶۱.۳٪ از کل واردات ترکیه را تشکیل می‌دهند که نشان‌دهنده وابستگی بالای این کشور به چند تامین‌کننده اصلی است.

مقاصد اصلی صادرات ترکیه بر اساس گروه‌های کشوری:

- اتحادیه اروپا (EU-۲۷): ۸.۹۱۵ میلیارد دلار؛
 - کشورهای خاورمیانه و همسایه: ۳.۷۴۹ میلیارد دلار؛
 - سایر کشورهای اروپایی: ۳.۰۶۲ میلیارد دلار.
- مهم‌ترین شرکای وارداتی ترکیه براساس گروه‌های کشوری
- اتحادیه اروپا (EU-۲۷): ۸.۳۸۵ میلیارد دلار؛
 - کشورهای آسیایی: ۶.۸۹۷ میلیارد دلار؛
 - سایر کشورهای اروپایی: ۶.۱۴۸ میلیارد دلار.

اتحادیه اروپا همچنان بزرگ‌ترین شریک تجاری ترکیه در هر دو بخش صادرات و واردات است و نقش کلیدی در راهبرد تجاری این کشور ایفا می‌کند.

در حالی که ترکیه در دوره ۱۲ ماهه گذشته شاهد افزایش صادرات و کاهش واردات بوده است، بهبود تراز تجاری آن بیشتر ناشی از کاهش واردات و نه رشد قوی صادرات است. علاوه بر این، تاثیر واردات انرژی و طلا بر کسری تجاری ترکیه قابل توجه است، به طوری که با حذف این دو بخش، نسبت صادرات به واردات به میزان چشمگیری بهبود می‌یابد. از نظر شرکای تجاری، اتحادیه اروپا همچنان در تجارت خارجی ترکیه جایگاه محوری دارد، در حالی که وابستگی این کشور به چند تامین‌کننده بزرگ برای واردات، می‌تواند بر انعطاف‌پذیری اقتصادی آن تاثیر بگذارد.

بخش صنعت همچنان بیشترین سهم را در صادرات ترکیه دارد و ۹۳.۶٪ از کل صادرات را با ارزشی معادل ۱۹.۴۳۶ میلیارد دلار به خود اختصاص داده است. پس از آن، بخش کشاورزی، جنگل‌داری و ماهیگیری با ۴.۴٪ (۹۰۵ میلیون دلار) و بخش معدن و استخراج با ۱.۴٪ (۲۹۹ میلیون دلار) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در واردات، بخش صنعت با ۷۵.۵٪ (۲۱.۸۵۵ میلیارد دلار) بیشترین سهم را دارد. بخش معدن و استخراج ۱۷.۵٪ از کل واردات را به خود اختصاص داده و ارزش آن ۵.۰۷۱ میلیارد دلار است. در رتبه بعدی، بخش کشاورزی با ۴.۵٪ (۱.۲۹۷ میلیارد دلار) قرار دارد.

عملکرد تجارت خارجی ترکیه در فوریه ۲۰۲۵ نشان‌دهنده کاهش صادرات و افزایش واردات است که منجر به افزایش کسری تجاری شده است. نسبت صادرات به واردات کاهش یافته که این امر عمدتاً به دلیل افزایش واردات انرژی و مواد اولیه بوده است. این روند نشان می‌دهد که ترکیه همچنان به شدت وابسته به انرژی و کالاهای واسطه‌ای خارجی است که تاثیر منفی بر تراز تجاری این کشور داشته است.

با این حال، اتحادیه اروپا همچنان مهم‌ترین شریک تجاری ترکیه محسوب می‌شود و بخش صنعت بیشترین سهم را در صادرات دارد. با این وجود، کاهش ۲۰.۹ درصدی واردات کالاهای سرمایه‌ای نگرانی‌هایی را در مورد کاهش سرمایه‌گذاری در تولید و رشد صنعتی آینده ایجاد کرده است. داده‌های تجاری فوریه ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که اقتصاد ترکیه با چالش‌های متعددی در حوزه تجارت خارجی مواجه است. افزایش سریع واردات، کاهش صادرات و کسری تجاری فزاینده، نیاز به سیاست‌های حمایتی قوی‌تر برای افزایش صادرات، کاهش وابستگی به واردات و تشویق سرمایه‌گذاری در تولید داخلی را برجسته می‌کند. دستیابی به تعادل بهتر در تجارت و رشد اقتصادی پایدار مستلزم اصلاحات ساختاری و راهبردی در سیاست‌های تجاری ترکیه است.

ریاست عربستان سعودی بر شورای عمومی سازمان تجارت جهانی (۲۰۲۵-۲۰۲۶)

شورای عمومی سازمان تجارت جهانی، مهم‌ترین نهاد اجرایی و تصمیم‌گیری این سازمان در سطح نمایندگان کشورها محسوب می‌شود. این شورا که جلسات آن در طول سال و در فواصل بین کنفرانس‌های وزارتی برگزار می‌شود، نقش کلیدی در نظارت بر اجرای توافقات WTO، هدایت مذاکرات تجاری و مدیریت فرایندهای حل و فصل اختلافات بین کشورها دارد. همچنین، این نهاد مسئولیت بررسی اصلاحات ساختاری در WTO و تصمیم‌گیری درباره سیاست‌های کلان سازمان را برعهده دارد.

شورای عمومی سازمان تجارت جهانی (WTO) در جلسه‌ای که ۱۹ فوریه ۲۰۲۵ در مقر این سازمان در ژنو سوئیس برگزار شد، به اتفاق آرا، صقر بن عبدالله المقبل، نماینده دائم عربستان سعودی در WTO را به عنوان رئیس شورای عمومی برای سال‌های ۲۰۲۶-۲۰۲۵ انتخاب کرد.

ریاست عربستان سعودی بر شورای عمومی WTO موضع این کشور را به عنوان یکی از بازیگران کلیدی در نظام تجارت بین‌المللی تقویت می‌کند. این انتصاب، عربستان سعودی را در موقعیت رهبری یکی از مهم‌ترین نهادهای سازمان تجارت جهانی قرار داده و صقر المقبل را به نخستین نماینده عرب و خاورمیانه‌ای تبدیل می‌کند که ریاست این نهاد عالی‌رتبه را برعهده می‌گیرد. این موقعیت به عربستان امکان می‌دهد تا بر جهت‌گیری سیاست‌های تجاری جهانی و مذاکرات آتی تاثیرگذار باشد.

پس از این انتخاب، صقر المقبل، نماینده دائم عربستان سعودی در WTO، در سخنرانی خود تاکید کرد که این انتصاب تاییدی بر نقش عربستان در نظام اقتصاد جهانی است. وی افزود که عربستان به عنوان یکی از اقتصادهای بزرگ جهان و عضو کلیدی گروه ۲۰، نقش موثری در حمایت از تجارت چندجانبه دارد و حضور این کشور در سازوکارهای تصمیم‌گیری WTO در سال‌های اخیر افزایش یافته است. با توجه به تحولات اخیر در نظام تجارت جهانی، انتظار می‌رود که در دوره ریاست عربستان، چندین موضوع کلیدی در دستور کار شورای عمومی قرار گیرد، از جمله:

- اصلاحات در ساختار سازمان تجارت جهانی و بهبود کارایی نظام حل و فصل اختلافات؛
- چالش‌های زنجیره تامین جهانی و تاثیر جنگ‌های تجاری بر تجارت بین‌الملل؛
- سیاست‌های حمایتی و یارانه‌های صنعتی و تاثیر آن‌ها بر رقابت عادلانه؛
- ادغام اقتصادهای در حال توسعه در سیستم تجارت جهانی و تسهیل دسترسی آن‌ها به بازارهای بین‌المللی؛
- تحولات تجارت دیجیتال و نقش مقررات جدید در اقتصاد جهانی.

ریاست عربستان بر شورای عمومی WTO می‌تواند فرصتی برای تقویت نقش کشورهای در حال توسعه در نظام تجارت جهانی و ایجاد تعادل بیشتر در سیاست‌های تجاری بین‌المللی باشد.

چهاردهمین کنفرانس وزارتی سازمان تجارت جهانی (MC14) نیز قرار است در مارس ۲۰۲۶ در کامرون برگزار شود. این اجلاس، یکی از مهم‌ترین نشست‌های سازمان تجارت جهانی محسوب می‌شود و

تصمیمات آن تاثیر مستقیم بر آینده تجارت جهانی خواهد داشت.

در دوره ریاست عربستان سعودی بر شورای عمومی WTO، چندین موضوع اساسی در دستور کار این نهاد قرار دارد:

- پیشبرد اصلاحات ساختاری و اساسی در WTO، به ویژه اصلاح ساز و کار حل و فصل اختلافات که یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات سازمان است.
- مذاکرات فاز دوم «توافق‌نامه کنترل یارانه‌های شیلات» که با هدف محدود کردن حمایت‌های دولتی غیرمنصفانه از صنعت شیلات جهانی طراحی شده است.
- بررسی مسائل کلیدی در حوزه کشاورزی، امنیت غذایی و توسعه که همواره یکی از موضوعات حساس مذاکرات تجاری بین‌المللی بوده است.
- ادغام توافقات چندجانبه جدید از جمله «توافق سرمایه‌گذاری برای توسعه» و «توافق تجارت الکترونیکی» در چارچوب مقررات WTO و ایجاد سازوکارهای لازم برای اجرای آن‌ها.
- عربستان سعودی طی سال‌های اخیر، ریاست چندین کمیته مهم WTO را برعهده داشته است، از جمله:

- هماهنگ‌کننده گروه کشورهای عربی در WTO؛
- ریاست نهاد حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی؛
- ریاست نهاد بازنگری سیاست‌های تجاری WTO؛
- ریاست کمیته محدودیت‌های تراز پرداخت‌ها؛
- ریاست شورای تجارت در خدمات و حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت؛
- ریاست کارگروه تجارت و انتقال فناوری؛
- ریاست کمیته مجوزهای واردات و کمیته تجارت خدمات مالی.

انتخاب عربستان سعودی به عنوان رئیس شورای عمومی WTO، نشان‌دهنده اعتماد جامعه بین‌المللی به توانایی‌های این کشور در هدایت سیاست‌های تجاری جهانی است. این انتصاب می‌تواند به

تقویت موقعیت عربستان در مذاکرات تجاری بین‌المللی، افزایش نفوذ این کشور در تدوین سیاست‌های تجاری جهانی، پیشبرد اصلاحات کلیدی در WTO و توسعه روابط اقتصادی بین‌المللی کمک کند و نقش عربستان را در عرصه تجارت جهانی بیش از پیش برجسته سازد.

رشد اقتصادی امارات و افزایش تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی واقعی امارات متحده عربی در ۹ ماه نخست سال ۲۰۲۴ با رشد ۳.۸ درصدی به ۱.۳۲۲ تریلیون درهم (۳۶۰ میلیارد دلار) رسید. این رشد عمدتاً ناشی از توسعه بخش‌های غیرنفتی بوده است که ۷۴.۶٪ از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس گزارش خبرگزاری رسمی امارات (وام^۱)، تولید ناخالص داخلی بخش‌های غیرنفتی در این دوره ۴.۵٪ افزایش یافته و به ۹۸۷ میلیارد درهم (۲۶۹ میلیارد دلار) رسیده است. این روند نشان‌دهنده موفقیت راهبرد تنوع‌بخشی اقتصادی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی است. بخش حمل‌ونقل و انبارداری با رشد ۷.۹ درصدی، بیشترین رشد را در میان بخش‌های اقتصادی داشته است. افزایش ۲۰ درصدی تعداد مسافران در فرودگاه‌های امارات که به ۱۰۳ میلیون نفر رسیده، یکی از مهم‌ترین عوامل این رشد بوده است. بخش ساخت‌وساز و عمران نیز با افزایش ۷.۴ درصدی به توسعه اقتصادی کشور کمک کرده است. فعالیت‌های مالی با رشد ۶.۸ درصدی نقشی کلیدی در بهبود عملکرد اقتصادی ایفا کرده‌اند. در مقابل، بخش نفتی تنها ۲۵.۴٪ از تولید ناخالص داخلی را تشکیل داده است که نشان‌دهنده تغییر تمرکز اقتصادی امارات به سوی فعالیت‌های متنوع‌تر است. وزیر اقتصاد امارات این آمار را تاییدی بر موفقیت سیاست‌های اقتصادی کشور دانسته و تاکید کرده است که این دستاوردها همسو با چشم‌انداز «ما امارات ۲۰۳۱» است.

هدف این برنامه، افزایش تولید ناخالص داخلی به ۳ تریلیون درهم (۸۱۶ میلیارد دلار) در دهه آینده و تقویت جایگاه امارات به عنوان یکی از اقتصادهای پیشرو جهان است. این روند بخشی از راهبرد کلان امارات برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی محسوب می‌شود. در این راستا، دولت سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در تجارت، گردشگری، فناوری و خدمات مالی انجام داده است تا رشد پایدار اقتصادی را تضمین کند.

توافق‌نامه میان کویت و چین برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر

کویت و چین توافق‌نامه‌ای برای توسعه پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر با هدف تقویت امنیت انرژی کویت و گسترش همکاری‌های اقتصادی دوجانبه امضا کردند. این توافق در پکن و با حضور مقامات عالی‌رتبه دو کشور به امضا رسید.

جاسم النجم، سفیر کویت در چین، این توافق را گامی مهم در تعمیق روابط دوجانبه دانست که همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری میان دو کشور را به سطحی جدید ارتقا خواهد داد.

جزئیات کلیدی توافق‌نامه به شرح زیر است:

- اجرای پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر در مناطق شقایه و عبدلیه با ظرفیت اولیه ۳,۵۰۰ مگاوات؛

- امکان افزایش ظرفیت به ۵,۰۰۰ مگاوات در آینده؛

- کاهش وابستگی کویت به سوخت‌های فسیلی و حرکت به سمت توسعه پایدار؛

- همکاری در توسعه فناوری‌های پیشرفته انرژی‌های تجدیدپذیر.

این اقدام نه تنها نیازهای فزاینده انرژی کویت را تامین خواهد کرد، بلکه جایگاه این کشور را در مسیر توسعه پایدار و کاهش وابستگی به انرژی‌های سنتی تقویت می‌کند.

اهمیت این توافق برای کویت به شرح زیر است:

- افزایش امنیت انرژی کشور با اتکا به منابع پایدار؛

- تقویت همکاری‌های راهبردی با چین، به عنوان یک بازیگر کلیدی در حوزه انرژی‌های پاک؛

- انتقال فناوری‌های نوین انرژی تجدیدپذیر به کویت؛

- توسعه پایدار و کاهش انتشار کربن در راستای اهداف زیست‌محیطی بین‌المللی.

چین، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار جهانی در انرژی‌های پاک، به عنوان شریک راهبردی کویت در این پروژه‌ها انتخاب شده است. تجربه گسترده چین در احداث نیروگاه‌های خورشیدی و بادی، به افزایش بهره‌وری این پروژه‌ها کمک خواهد کرد. چراکه چین قبلاً پروژه‌های زیرساختی مهمی مانند بندر مبارک الکبیر را در کویت اجرا کرده است. این توافق‌نامه، مرحله دوم همکاری‌های راهبردی میان دو

کشور محسوب می‌شود و در ادامه قرارداد اجرای پروژه بندر مبارک الکبیر در فوریه ۲۰۲۵ شکل گرفته است.

تاثیر این توافق بر روابط اقتصادی کویت و چین به شرح زیر است:

- افزایش سرمایه‌گذاری‌های مشترک در انرژی‌های تجدیدپذیر؛
- توسعه همکاری‌ها در حوزه فن‌آوری‌های نوین و هوش مصنوعی در بخش انرژی؛
- افزایش نقش چین در اقتصاد کویت و مشارکت در پروژه‌های زیرساختی آینده.

با اجرای این توافق، کویت گام بزرگی در راستای اهداف توسعه پایدار و امنیت انرژی برداشته و چین به عنوان یک بازیگر کلیدی، در مسیر تحول انرژی این کشور نقش‌آفرینی خواهد کرد. این توافق‌نامه، نشان‌دهنده عزم کویت برای تنوع‌بخشی به منابع انرژی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی در حوزه انرژی‌های پاک است.

پژوهش‌های تازه

تحولات تازه در تجارت جهانی

کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (آنکتاد) در گزارش به‌روزرسانی تجارت جهانی (مارس ۲۰۲۵)، روندهای کلیدی تجارت بین‌المللی را بررسی کرده و بر نقش در حال تحول تعرفه‌ها تاکید دارد. این گزارش با استفاده از داده‌های COMTRADE و UNCTAD TRAINS، تحلیلی جامع از تغییرات تجارت در دوران پساکرونا و در عصر ژئوپلیتیکی چندقطبی ارائه می‌دهد. گزارش آنکتاد نشان می‌دهد که جهان، در حال حرکت به سمت یک نظم تجاری جدید است که در آن تعرفه‌ها، سیاست‌های تجاری و زنجیره‌های تامین، تحت تاثیر تحولات ژئوپلیتیکی، فناوری و پایداری قرار خواهند گرفت. نکات و یافته‌های کلیدی گزارش در ادامه می‌آید:

۱. رشد تجارت جهانی در سال ۲۰۲۴: تجارت جهانی تقریباً ۱.۲ تریلیون دلار افزایش یافته و به رکورد ۳۳ تریلیون دلار رسیده است. این رشد ناشی از افزایش ۹ درصدی در تجارت خدمات و ۲ درصدی در تجارت کالا بود.

۲. عملکرد بهتر کشورهای در حال توسعه: کشورهایی مانند چین و هند، رشد تجاری بهتری نسبت به کشورهای توسعه‌یافته داشتند و سهم عمده‌ای در افزایش تجارت جهانی ایفا کردند.

۳. تعرفه‌های کشاورزی: صادرات کشاورزی از کشورهای در حال توسعه به طور متوسط با تعرفه‌ای نزدیک به ۲۰٪ مواجه است (در چارچوب نرخ‌های MFN).
۴. تشدید تعرفه‌ای: محصولات فرآوری‌شده کشاورزی و کالاهای مصرفی تولیدی در کشورهای در حال توسعه، با تعرفه‌های بالاتری نسبت به مواد اولیه مواجه‌اند که موجب کاهش انگیزه برای ایجاد ارزش افزوده می‌شود.
۵. تفاوت بخشی در تعرفه‌ها: در سال ۲۰۲۳، میانگین تعرفه برای محصولات گیاهی حدود ۸٪ و برای محصولات غذایی حدود ۴٪ گزارش شده است.
۶. کاهش تعرفه در صنعت: بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۳، تعرفه‌های صنعتی جهانی حدود ۱٪ کاهش یافته است، اما در مناطق آفریقا و آسیای جنوبی همچنان در حدود ۸٪ باقی‌مانده است.
۷. اوج تعرفه‌ای در کشاورزی و پوشاک: محصولات چوب لبنیات، گوشت، شکر و پوشاک با تعرفه‌هایی بالاتر از ۱۵٪ و حتی تا بیش از ۱۰۰٪ مواجه‌اند، به ویژه در آفریقا، جنوب آسیا و کشورهای توسعه‌یافته.
۸. تفاوت منطقه‌ای: واردات در آفریقا و جنوب آسیا با میانگین تعرفه‌ای حدود ۸٪ مواجه‌اند، در حالی که کشورهای توسعه‌یافته تعرفه‌هایی زیر ۲٪ دارند.
۹. موانع تجارت جنوب- جنوب: تجارت بین مناطق در حال توسعه مانند آمریکای لاتین و جنوب آسیا با تعرفه‌هایی تا ۱۵٪ روبه‌روست که دسترسی به بازار را محدود می‌کند.
۱۰. سهم تجارت بدون تعرفه: در سال ۲۰۲۳، حدود ۶۶٪ از تجارت جهانی بدون تعرفه انجام شده است، اما بخش باقی‌مانده (به ویژه در کشاورزی و صنعت) با تعرفه‌های بالایی مواجه است.
۱۱. تعرفه‌های متعهدشده در WTO: بسیاری از کشورها تعرفه‌هایی پایین‌تر از سطح تعهدشده در سازمان تجارت جهانی اعمال می‌کنند، اما در کشورهای در حال توسعه این «امتیاز تعرفه‌ای» بسیار محدود است.
۱۲. تمرکز اوج تعرفه‌ای: حدود ۸٪ از تجارت جهانی در مواد غذایی و پوشاک با تعرفه بالای ۱۵٪ انجام می‌شود؛ همچنین ۳۰٪ از کدهای شش‌رقمی تعرفه‌ای برای غذا و ۲۵٪ برای پوشاک، تعرفه‌ای بالاتر از ۱۵٪ دارند.

۱۳. بروز تشدید تعرفه‌ای در صنعت: تشدید تعرفه‌ای در بخش‌هایی چون پوشاک، پوست، محصولات دامی و بسیاری از صنایع سبک مشاهده می‌شود که مانع از رشد صنعتی کشورهای در حال توسعه است.

۱۴. کاهش فضای سیاستی: پس از لحاظ توافقات ترجیحی، فضای واقعی برای افزایش تعرفه‌ها در بسیاری از کشورها (به ویژه کشورهای توسعه‌یافته) بسیار محدود شده است.

۱۵. کسری و مازاد تجاری: آمریکا بزرگ‌ترین کسری تجاری و چین بزرگ‌ترین مازاد را در سال ۲۰۲۴ داشته‌اند، و این عدم توازن‌ها نسبت به سال قبل شدت یافته‌اند.

۱۶. رشد سه‌ماهه تجارت: در سه‌ماهه چهارم ۲۰۲۴، واردات و صادرات کشورهای در حال توسعه ۲٪ رشد داشتند، در حالی که کشورهای توسعه‌یافته با کاهش ۲٪ مواجه شدند.

۱۷. روند کشورهای عمده: در سه‌ماهه چهارم ۲۰۲۴، هند با ۸٪ رشد واردات و ۷٪ رشد صادرات در تجارت کالا پیش‌تاز بود، در حالی که ژاپن و اتحادیه اروپا کاهش قابل توجهی را تجربه کردند.

۱۸. تجارت خدمات: تجارت خدمات در سه‌ماهه چهارم ۲۰۲۴ همچنان رشد داشت، به ویژه در هند، چین و آفریقای جنوبی، در حالی که تجارت کالاها روند کندتری نشان داد.

۱۹. رشد بخشی تجارت: در سه‌ماهه چهارم ۲۰۲۴، بخش‌های غذا، تجهیزات ارتباطی، ابزارهای دقیق و حمل‌ونقل بیشترین رشد را داشتند، در حالی که انرژی، مواد معدنی و پوشاک افت داشتند.

۲۰. کاهش فرندشورینگ^۱ و نیارشورینگ^۲: روندهای تمرکز جغرافیایی تجارت (دوستی‌سازی و نزدیکی‌سازی) در سال ۲۰۲۴ کاهش یافتند و ساختار تجارت جهانی به سمت تنوع بیشتر و نقش آفرینی کشورهای کوچک‌تر حرکت کرده است.

برنامه اقتصاد دریاپایه برای تاب‌آوری آفریقا (BE4RAP)

گزارش بانک جهانی درباره «برنامه اقتصاد دریاپایه برای تاب‌آوری آفریقا» (BE4RAP) به طور خاص به چالش‌ها و فرصت‌های محیط‌های ساحلی و دریایی در قاره آفریقا پرداخته است. این برنامه یک ابتکار چندبخشی و یکپارچه است که با هدف ترویج توسعه اقتصادی پایدار، فراگیر و مقاوم در برابر تغییرات اقلیمی در کشورهای ساحلی و جزیره‌ای آفریقا طراحی شده است.

1- Friend-shoring

2- Nearshoring

اقتصاد آبی یا دریاپایه به بهره‌برداری پایدار از منابع اقیانوسی و ساحلی برای رشد اقتصادی و حفظ سلامت زیست‌بوم‌ها اطلاق می‌شود. این برنامه تلاش می‌کند تا با استفاده از حمایت‌های تحلیلی و مالی، کشورهای آفریقایی را در مدیریت چالش‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی دریاپایه، به ویژه در برابر تغییرات اقلیمی، یاری دهد.

یکی از اهداف اصلی این برنامه، تقویت تاب‌آوری در برابر تغییرات اقلیمی است، به ویژه برای کشورهای آسیب‌پذیر در مناطق ساحلی و جزیره‌ای آفریقا که بیشترین آسیب‌ها را از تغییرات اقلیمی مانند افزایش سطح آب دریاها، طوفان‌ها و سایر بحران‌های محیطی متحمل می‌شوند.

در این زمینه، صندوق امانی PROBLUE نیز به عنوان یک منبع مالی برای تامین منابع لازم برای توسعه و اجرای پروژه‌های اقتصادی پایدار در حیطه اقتصاد آبی در نظر گرفته شده است.

این برنامه در حاشیه کنفرانس اقلیمی COP۲۷ معرفی شد و هدف آن، تسهیل راهکارهای توسعه‌ای است که بر اقتصاد دریاپایه تمرکز دارد و به کشورهای آفریقایی کمک می‌کند تا از ظرفیت‌های موجود در این بخش برای بهبود معیشت و تقویت تاب‌آوری خود بهره‌برداری کنند.

یافته‌های کلیدی گزارش بانک جهانی درباره برنامه «اقتصاد دریاپایه برای تاب‌آوری آفریقا» به شرح زیر است:

۱. اقتصاد آبی، ستون فقرات آینده اقتصادی آفریقا است: اقتصاد آبی در آفریقا در سال ۲۰۱۸ حدود ۳۰۰ میلیارد دلار ارزش اقتصادی ایجاد کرده و ۴۹ میلیون شغل فراهم کرده است. این رقم پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ به ۴۰۵ میلیارد دلار و ۵۷ میلیون شغل افزایش یابد. بخش‌هایی مانند گردشگری، شیلات، آبی‌پروری و حمل‌ونقل دریایی نقش حیاتی دارند.

۲. زیست‌بوم‌های ساحلی و دریایی به شدت در معرض خطر قرار دارند: زیستگاه‌های بحرانی مانند مانگروها، صخره‌های مرجانی و مراتع دریایی به دلیل ماهی‌گیری بی‌رویه، آلودگی، توسعه زیرساختی ناپایدار و حکمرانی ضعیف تهدید می‌شوند. حفاظت و بازسازی این زیستگاه‌ها برای بقای اقتصاد آبی حیاتی است.

۳. تغییرات اقلیمی، همه آسیب‌پذیری‌ها را تشدید می‌کند: بالا آمدن سطح دریا، گرم‌شدن آب‌ها، اسیدی‌شدن اقیانوس و افزایش طوفان‌ها، زیرساخت‌ها، معیشت و جوامع ساحلی را در معرض خطر قرار داده‌اند. تا سال ۲۱۰۰، وقوع سیلاب‌های ساحلی شدید می‌تواند سالانه اتفاق بیفتد، حتی در

سناریوهای گرمایش متوسط.

۴. ماهی‌گیری غیرقانونی و ناپایدار، چالش بزرگ پیش‌رو است: کاهش ذخایر ماهی به دلیل صید بی‌رویه و نبود قوانین کافی، امنیت غذایی و ثبات اقتصادی را تهدید می‌کند. در غرب آفریقا، سالانه بیش از ۸.۳ میلیارد دلار به دلیل صید غیرقانونی از بین می‌رود.

۵. آلودگی - به ویژه پلاستیک - بحرانی فزاینده است: آفریقا در مسیر تبدیل شدن به بزرگ‌ترین تولیدکننده زباله پلاستیکی مدیریت نشده تا سال ۲۰۶۰ است. آلودگی دریایی در نیجریه فقط در سال ۲۰۱۸ باعث ۶۶ میلیون دلار خسارت شد.

۶. فرسایش ساحلی و تخریب محیط‌زیست، خسارات گسترده‌ای به بار می‌آورد: در کشورهای مانند سنگال و بنین، حدود ۱.۴ میلیون نفر تحت تاثیر فرسایش قرار دارند و این امر معادل ۵.۳٪ از تولید ناخالص داخلی منطقه هزینه دارد. برخی مناطق شاهد ۱.۸ متر فرسایش سالانه هستند.

۷. نهادهای قوی و حکمرانی موثر، پیش‌نیاز توسعه پایدار هستند: بسیاری از چالش‌ها از ضعف هماهنگی نهادی، نبود مجوزهای مناسب و اجرای ناکافی قوانین ناشی می‌شوند. این گزارش بر ضرورت ایجاد کمیسیون‌های بین‌وزارتی و افزایش ظرفیت حکمرانی تاکید دارد.

۸. برنامه‌ریزی فضایی مشارکتی دریایی (MSP)، ابزاری راهبردی است: MSP با گردآوردن ذی‌نفعان، به شناسایی اولویت‌های سرمایه‌گذاری، ملاحظات زیست‌محیطی و خطرات اقلیمی کمک می‌کند. کشورهای مراکش و موزامبیک، پیشرو در استفاده از این ابزار هستند.

۹. ابزارهای نوآورانه مالی باید گسترش یابند: توسعه اقتصاد آبی نیازمند اوراق قرضه آبی، سرمایه‌گذاری‌های ترکیبی و مشارکت‌های بخش خصوصی است. صندوق PROBLUE بانک جهانی، تاکنون بیش از ۴ میلیارد دلار سرمایه را برای توسعه اقتصاد آبی بسیج کرده است.

۱۰. مدیریت داده و به اشتراک‌گذاری دانش، عامل کلیدی موفقیت است: فناوری‌های نوین مانند تصاویر ماهواره‌ای، یادگیری ماشین و حسگرهای متصل به اینترنت، توانمندساز تصمیم‌گیری بهتر در حوزه دریایی هستند. اما این موفقیت به شرط دسترسی آزاد و یکپارچه به داده‌ها برای همه ذی‌نفعان محقق می‌شود.